

ابحان

سفرنامه عشق

گزیده‌ای از فرمایشات و رهنمودهای

حضرت استاد غفاری

از شاگردان آیت‌الحق و العرفان

سعادت پرور قدس الله نفسه الزکیة

گردآوری: گروه جهادی ندای توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،
وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ
مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَ
النَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَصْحَابِ
الْحُسَيْنِ

❁ فهرست

❁ معرفت به اهداف خلقت، رسالت انبیاء و سرّ امامت ۷

آمدن اهل بیت علیهم السلام به دنیا برای چه بود؟ ۷

تعریف از کمالات اهل بیت علیهم السلام تبیین قابلیت‌های ماست ۹

قابلیت‌های ما ۱۱

بهانه‌ای نمانده است ۱۴

محبت خدا به بندگان ۱۵

خدا «من» را دوست دارد ۱۵

محبت فوق‌العاده‌ی خدا به ما ۱۶

برکات عمومی حضرت اباعبدالله و زیارت ایشان ۱۹

اشک برای سید الشهداء ۱۹

نجات دادن گنهگار به خاطر یک کار خوب ۱۹

بکوشید تا محروم نمانید ۲۰

❁ آثار دنیوی زیارت ۲۲

❁ آثار اخروی زیارت ۲۶

سالکان و زیارت اباعبدالله ۳۳

❁ خودسازی، شرط بهره‌مندی‌های خاص ۳۳

بخشش گناهان با توجه به مقام ظاهری امام ۳۳

مجاهده شرط رسیدن به مقام فوق‌عرشی امام ۳۳

موجوداتِ ظلمانی ۳۴

اگر در دنیا کور بمانی، در آخرت هم کور خواهی بود ۳۵

جهنم محرومیت از حسین علیه السلام ۳۵

همه چیز در راستای مجاهده با نفس ۳۶

❁ آثار معنوی زیارت ۳۸

❁ رسیدن به آثار معنوی زیارت ۴۲

مناجات خدا با زائر سید الشهداء (ع) ۴۲

حالات گوناگون سالکین در زیارت اباعبدالله (ع) ۴۵

باور کنید تا ببینید ۴۸

زیارت سید الشهداء (ع) سرمایه‌ی ماندگار ۴۹

توبه‌ی صادقانه ۵۰

در مسیر زیارت حضرت اباعبدالله الحسین ۵۱

❁ توصیه‌هایی برای بهره‌مندی بیشتر از زیارت اربعین ۵۱

باور کنید که در ظرف عنایات خاصه هستید ۵۱

زیارت امام حسین (ع) یا زیارت خدا؟ ۵۲

رضایت از پیشامدها و نگاه زینبی داشتن ۵۲

❁ توصیه‌های ویژه برای روز پایانی مسیر پیاده‌روی ۵۴

خلوت با خدا و اهل بیت (ع) ۵۴

کاسه‌ی گدایی ۵۴

توسل به علی (ع) با توجّه به سخاوت حضرت ۵۵

توسل و توجّه به زهرا (ع) ۵۵

همت عالی ۵۸

ادب حضرت عباس (ع) را بخواهید ۶۰

سنخیت ظاهری مقدمه‌ی سنخیت واقعی ۶۱

۱. گرسنگی ۶۱

۲. خاک‌ها را پاک نکنید ۶۲

مستقیم به سمت ضریح سید الشهداء علیه السلام ۶۲

توسل به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام ۶۳

❁ در مشاهد مشرفه و بازگشت از زیارت ۶۵

درد دل با اهل بیت علیهم السلام در خلوت ۶۵

مراقبه بعد از اربعین ۶۶

استمرار در خودسازی در ملازمت با اولیای الهی ۶۷

معرفت به اهداف خلقت، رسالت انبیاء و سرّ امامت

❁ آمدن اهل بیت علیهم السلام به دنیا برای چه بود؟

این همه ارسال رُسل و انزال کتب آسمانی و گسیل شدن انوار مقدسه‌ی ائمه‌ی هدی علیهم السلام باید برای ما سؤال برانگیز باشد! من چه کسی هستم که خداوند تبارک و تعالی این همه روی من نوعی سرمایه‌گزاری کرده است؟ آیا سزاوار است برای تعلیم دانش‌آموزان اوّل دبستان، یک پروفیسور را مأمور کنند؟! پس چگونه بگوییم خداوند تعالی اهل بیت علیهم السلام را با آن همه مقامات و جایگاه‌های والا، برای هدایت افرادی که ظرفیت و توان رسیدن به آنجا را ندارند گسیل داشته است؟!

آیا ائمه‌ی هدی علیهم السلام برای این آمده‌اند که تنها حرکات رکوع و سجود و اذکار لسانی را یاد بدهند و دوتا توصیه‌ی اخلاقی هم بکنند که دنبال رذائل نروید و فضائل را انجام دهید؟! این همه عظمتی که برای ائمه‌ی هدی قائل هستیم فقط برای همین بود؟! اگر چنین بود که یک

طلبه‌ی فسقلی مثل من برای این کار کافی بود!
 آن‌ها با عبور کردن از امتحانات و ابتلائات در عوالم قبل
 از دنیا، همه‌ی کمالات را کسب کردند، لذا نیازی به زندگی
 در این دنیا نداشتند؛^۱ اما به خاطر محبتی که به ما داشتند
 به اختیار خود به این دنیا تشریف آوردند تا دست ما را
 گرفته و با خود به همان جایگاهی که در آن هستند ببرند.
 اگر پدر خانواده به سفره‌ای رنگارنگ و زیبا دست
 یابد، تمام تلاش خود را می‌کند تا همسر و فرزندان خود
 را سر همان سفره بنشانند و با خود همراه کند. حال آن‌که
 اهل بیت علیهم‌السلام هزاران هزار بار از پدران و مادران به ما
 مهربان‌ترند و برای الحاق ما به خودشان لحظه‌ای دست
 از کوشش برنمی‌دارند.

ما شیعیان در همه‌ی خلقت‌های گذشته‌ی خود در
 امتحانات متعدّد، اهل بیت را انتخاب کردیم و با ایشان
 همراه بودیم و آن‌ها نیز ما را انتخاب کردند و مانند آهن‌ربا
 یکدیگر را جذب کردیم تا کار به این خلقت هفتم یعنی
 دنیا رسید. این بود که ما در دامن پدران و مادران مؤمن
 و با عشق به اهل بیت علیهم‌السلام چشم به جهان گشودیم. اگر
 غیر از این باشد یهودی زاده‌ها و مسیحی زاده‌ها و ... ، علیه
 خداوند حجّت خواهند داشت که چرا ما را از این نعمت
 محروم ساختی؟! با این حال باز هم راه برای هردو گروه
 باز است؛ چه بسا آن‌ها که با وجود طینتی زیبا، لگد به

۱. مثلاً در روایت وارد شده زهرا علیها‌السلام نوری بود تحت ساق عرش که غذایش
 تسبیح بود. از خود پیرسیم چرا این نور به اینجا تشریف آورد؟

بخت خود می زنند و سقوط می کنند؛ و چه بسا آن ها که چنین نعمتی را در اختیار ندارند اما با کوشش و بازگشت به فطرت الهی که در همه ی افراد بشرو وجود دارد خود را به دامن اهل بیت علیهم السلام می افکنند!

❁ تعریف از کمالات اهل بیت علیهم السلام تبیین قابلیت های ماست

این همه سفارش و توصیه به مدح اهل بیت علیهم السلام و ذکر فضائل آن ها که وارد شده است چه سودی به حال ایشان دارد؟! آیا آن ها تشریف آورده اند تا من بی سرو پا از آن ها تعریف کنم؟! آن ها جایگاهی دارند که هیچ کس فکر و خیالش را نمی تواند بکند! آن ها را باید خداوند و خودشان تعریف کنند که کرده اند؛ پس چرا ذکر علی علیه السلام عبادت است؟! علی علیه السلام چنین و چنان بود؛ خیلی خوب؛ ثم ماذا؟! معرفی آن ها یک پیام دارد: ما قابلیت و لیاقتی داریم که سبب شده این وجود مقدّس و نبأ عظیم برای هدایت ما تشریف بیاورد.

علامه ی طباطبایی رحمته الله در رساله ی الولایة با استناد به آیات و روایات فرموده است شاگردان مکتب اهل بیت به جز نبوّت و وصایت، می توانند به تمامی مقامات معنوی اهل بیت علیهم السلام نائل شوند. و اصلاً مأموریت و وظیفه ی آن ها همین است که ما را سر سفره ی معنوی خود ببرند. اوّلین قدم در این راه، شناخت این قابلیت و ظرفیت عظمی است. از آنجا که مقام معنوی اهل بیت علیهم السلام از تمام انبیاء و اولیای گذشته بالاتر است، کسانی که با تربیت و هدایت ایشان به

آن‌ها ملحق می‌شوند نیز از انبیاء و اولیای گذشته بالاترند. اصبح بن نباته می‌گوید: «از امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره‌ی سلمان فارسی سؤال کردم و به حضرت گفتم: نظرتان درباره‌ی او چیست؟! حضرت فرمودند: چه بگویم درباره‌ی مردی که از طینت ما آفریده شده و روح او قرین روح ماست. خداوند تبارک و تعالی او را از علوم، به اول و آخر و ظاهر و باطن و سر و علن آن مخصوص گردانیده است. من در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم و سلمان مقابل حضرت بود. بادیه‌نشینی آمد و سلمان را کنار زد و در جای او نشست. رسول الله صلی الله علیه و آله به قدری خشمگین شدند که عرق از پیشانی به میان دو چشم مبارکشان سرازیر شد؛ سپس فرمودند: آیا کسی را کنار می‌زنی که او را خداوند تبارک و تعالی در آسمان و فرستاده‌ی او در زمین، دوست دارند؟! ای بادیه‌نشین! آیا کسی را کنار می‌زنی که جبرئیل به سراغم نیامد مگر اینکه از جانب پروردگارم مرا امر کرد به او سلام برسانم؟! ای اعرابی! سلمان از من است. هرکس به او جفا کند، به من جفا کرده است و هر که او را اذیت کند، مرا اذیت کرده و هر که با او دشمنی کند، با من دشمنی کرده است. ای اعرابی! مبادا با سلمان، درشت‌خویی کنی که خداوند تبارک و تعالی مرا امر کرد که علم منیا، بلایا، انساب و فصل الخطاب را به او بیاموزم و ...»^۱

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو أَحْمَدَ الْأَزْدِيُّ عَنْ أَبَانِ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ الْخَفَّافُ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ

❁ قابلیت های ما

در زیارت عاشوراء که بارها و بارها آن را خواندیم و بدون تأمل عبور کردیم آمده است:

«وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»؛ و از او (خداوند) درخواست می کنم که مرا به همان «جایگاه ستایش شده ای که شما» نزد او دارید برساند.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛ خدایا زندگی من را «زندگی محمد و آل محمد» و مرگ من را مرگ محمد و آل محمد قرار بده!

این دعاها را خود خداوند تعالی به اهل بیت علیهم السلام و ایشان به ما تعلیم فرموده اند و اگر ظرفیت برآورده شدن چنین درخواست هایی در ما وجود نداشت، تعلیم آن به ما - معاذ الله - لغو و بیهوده بود.

در قنوت نماز عید فطر بعد از یک ماه عبادت های ویژه،

قَالَ سَأَلْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رضي الله عنه وَقُلْتُ مَا تَقُولُ فِيهِ فَقَالَ مَا أَقُولُ فِي رَجُلٍ خُلِقَ مِنْ طِينَتِنَا وَرُوحُهُ مَقْرُونَةٌ بِرُوحِنَا خَصَّهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنَ الْعُلُومِ بِأَوَّلِهَا وَآخِرِهَا وَظَاهِرِهَا وَبَاطِنِهَا وَسِرِّهَا وَغَلَائِبِهَا وَلَقَدْ خَضَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَسَلْمَانُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَدَخَلَ أَعْرَابِي فَنَحَاهُ عَنْ مَكَانِهِ وَجَلَسَ فِيهِ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَتَّى دَرَّ الْعَرَقُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَاحْمَرَّتَا عَيْنَاهُ ثُمَّ قَالَ يَا أَعْرَابِي أُنْتَجِي رَجُلًا يُحِبُّهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي السَّمَاءِ وَيُحِبُّهُ رَسُولُهُ فِي الْأَرْضِ يَا أَعْرَابِي أُنْتَجِي رَجُلًا مَا خَضَرَنِي جَبْرَيْلُ إِلَّا أَمَرَنِي عَنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَقْرَنَهُ السَّلَامَ يَا أَعْرَابِي إِنَّ سَلْمَانَ مِنِّي مَنْ جَفَاهُ فَقَدْ جَفَانِي وَمَنْ آذَاهُ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ بَاعَدَهُ فَقَدْ بَاعَدَنِي وَمَنْ قَرَّبَهُ فَقَدْ قَرَّبَنِي يَا أَعْرَابِي لَا تَغْلُظَنَّ فِي سَلْمَانَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ أَمَرَنِي أَنْ أَظْلِعُهُ عَلَى عِلْمِ الْمَنَائَا وَالبَلَايَا وَالْأَنْسَابِ وَفَضْلِ الْخِطَابِ. «الإختصاص، ص: ۲۲۱ و ۲۲۲»

۹ مرتبه این مطلب را از خداوند درخواست می‌کنیم:
 «... وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَذْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ
 مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ
 آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ»؛ و (از تو می‌خواهم که)
 مرا داخل کنی در «هر خیری» که محمد و آل محمد را داخل
 کردی! و خارج کنی از «هر بدی» که محمد و آل محمد را
 از آن خارج کردی!

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَأَعُوذُ
 بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُونَ».^۱؛ خدایا همانا من
 از تو درخواست می‌کنم «بهترین چیزی را که بندگان صالح
 تو» از تو درخواست کردند و به تو پناه می‌برم از آنچه که
 بندگان صالح تو از آن پناه خواسته‌اند!

بینید راه تا کجا باز است؟! یعنی نه تنها شما می‌توانید
 جزء صالحین باشید، بلکه تا آنجا لیاقت دارید که خداوند
 متعال فرموده است حتی آن اسراری که آقا امام زمان (عج) از
 خدا می‌خواهد، شما هم بخواهید!

در دعای ماه رجب، این درخواست را به ما تعلیم^۲

۱. ابن المشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۳۷ و ابراهیم بن علی عاملی کفعمی،
 البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۱۶۷ و شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة،
 ج ۷، ص ۴۶۸

۲. از محمد سجاد در ضمن یک حدیث طولانی روایت شده: به
 ابی عبد الله (ع) گفتم فدایت شوم! این ماه رجب است، به من دعایی تعلیم
 فرما که خداوند به واسطه‌ی آن به من نفع رساند. ابو عبد الله (ع) فرمود بنویس:
 بسم الله الرحمن الرحیم، و بگو در هر صبح و شب از هر روز ماه رجب و در
 عقب نمازهای در روز و شب: یا من أرجوه لكل خیر... (اقبال الأعمال، ج ۲،
 ص ۶۴۴)

فرموده‌اند:

«أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ
الْآخِرَةِ»؛ به واسطه‌ی درخواستم از تو، «همه‌ی» خیر دنیا
و «همه‌ی» خیر آخرت را به من عطا فرما

ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام این دعاها را از ناحیه‌ی حضرت
باری تعالی و در راستای پیاده کردن رسالت به گوش ما
رسانده‌اند. یعنی خدای تعالی می‌فرماید: بنده‌ام از من
همه‌ی خیر را بخواه تا به تو عطا کنم. امام صادق علیه‌السلام فرمود:
ریشه‌ی کلّ خیر ماییم. در زیارت جامعه نیز وارد شده:

«إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ وَمَعْدِنُهُ
وَمَاوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ»؛ اگر از خیر یاد شود شما اوّل آن و اصل
و فرع و معدن آن و آغاز و پایان آن هستید.

امام کاظم علیه‌السلام از پدران خود از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل
می‌کنند که فرمود:

«أَخَذَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بِيَدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَقَالَ مَنْ أَحَبَّنِي
وَ أَحَبَّ هَذَيْنِ وَ آبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ
الْقِيَامَةِ»؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دست حسن و حسین علیهما‌السلام را گرفت
سپس فرمود: هرکس من را دوست بدارد و این دو و پدرشان
و مادرشان را دوست بدارد، در روز قیامت، «با من در
درجه‌ی من» خواهد بود.

«مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَاتَلَ مَعَنَا بِبَدَنِهِ فَهُوَ
مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا»؛ کسی که با قلبش ما را دوست
بدارد و با زبانش ما را یاری کند و با دستش به همراه ما

پیکار کند، او در بهشت با ما و در درجه‌ی ما خواهد بود. معیت در آنجا مانند این دنیا نیست، آنجا عالم نور و حقیقت است. برای اینکه به خورشید نزدیک شوی باید از سنخ او بشوی و الا می‌سوزی! حتی از دور بیش از چند لحظه نمی‌توانی به او نگاه کنی! کسی که می‌خواهد در درجه‌ی رسول گرامی اسلام ﷺ و با او باشد باید در مقامات توحیدی با او هم‌سنخ شده باشد.

❁ بهانه‌ای نمانده است

در آخرت برخی می‌گویند: آقا من نمی‌دانستم، هی با خدا مجادله می‌کند! می‌گوید من نمی‌فهمیدم! خداوند می‌فرماید: اما من که نشانت دادم؛ کوز نشانت دادم، گز نشانت دادم، مرده نشانت دادم، قبرستان نشانت دادم. همه‌اش با تو حرف می‌زد. به توهی نشان دادم؛ تو خودت را به کری و کوری زده بودی. به تونشان دادم که تو جلب من بشوی، نه جلب امور دنیایی! به ما همه چیز را نشان دادند.

اگر تو لیاقت نداری چرا معلمی چون علی علیه السلام می‌خواهد بیاید؟! در تو یک چیزی هست! خودت را پیدا کن دیگر! ما خودمان را پیدا نمی‌کنیم. می‌گوید آخر من کجا و امام حسین علیه السلام با این عظمت کجا؟ امام حسین علیه السلام با این عظمتش برای هدایت تو آمده است. تو باید بگویی چه هستی؟! خودت را می‌خواهی پیدا کنی این طور باید پیدا کنی! تو آن قدر برای خدا عزیزی که حسین علیه السلام باید فدا بشود! خیلی عجیب است! اصلاً اگر ما قابلیت وجودی خودمان

را بشناسیم سریع می‌توانیم این‌هایی که نشان می‌دهند را بگیریم. مراحل بالاتر را درک کنیم؛ اما در صورتی که غرق نشویم در همین آدامس و پفک و بازی‌های بچه‌گانه! این‌ها به خاطر این است که بزرگ نشدیم. فقط هیکل بزرگ شده است.

❁ محبت خدا به بندگان

اگر می‌خواهی محبت خدا را نسبت به خودت بفهمی، بین یک چنین عطایایی (اُمّه هدی ﷺ) را برای هدایت تو فرستاده است. انواری به این عظمت را مأمور کرده تا ما را به آن قرب خاص الهی ببرند. چقدر او ما را دوست دارد که حسین (علیه السلام) را برای هدایت ما تکه‌تکه کرده است.

فرمود موسی جان! بندگانم را به من راغب کن! عرض کرد پروردگارا چگونه؟ فرمود نعمت‌های مرا به یادشان بیاور! آیا پیامبر ﷺ و علی و اولادش ﷺ هدیه و نعمت الهی نیستند؟! چه نعمتی بالاتر از این؟!

در روایتی وارد شده که فرمودند: ما به مریضی شما مریض می‌شویم و با غم شما غمگین می‌شویم. وقتی شما دعا می‌کنید ما آمین می‌گوییم و وقتی ساکتید ما برای شما دعا می‌کنیم. محبتی که اهل بیت ﷺ به ما دارند حدّی ندارد!

❁ خدا «من» را دوست دارد

هرکس باید محبت خدا و اهل بیت ﷺ را در خودش جست‌وجو کند؛ نه در دیگران! خداوند خیلی «من» را دوست

دارد که این همه عظمت را برای هدایت «من» گسیل داشته است. در مورد قرآن هم باید به فرمایش امام صادق علیه السلام همین طور نگاه کرد؛ این کتاب نامه‌ی خدا به بنده‌اش است که برای «من» فرستاده است و دارد با «من» سخن می‌گوید؛ پس هرآنچه که می‌خوانم باید در «خودم» جست‌وجو کنم؛ نه دیگران! اگر این مطلب فهمیده شد انسان خیلی پیشرفت می‌کند. تا وقتی این معرفت و شناخت نیاید، هیچ لذتی از عبادت نخواهیم برد؛ در نتیجه همه‌ی فرصت‌ها و نعمت‌ها را هدر خواهیم داد و بازیچه‌ی شیطان خواهیم شد که یکی از جلوه‌هایش دنیا است.

❁ محبت فوق‌العاده‌ی خدا به ما

محبت خدا را مگر می‌توانی درک کنی؟ خودش فرمود اگر ذره‌ای از آن را بخشی تکه‌تکه می‌شوی. اصلاً این محبت ماندنی ندارد! چه چیزی را مثال بزنیم؟ محبت مادر؟ مرحوم نراقی می‌گوید: مادر دنیایی اگر شوهرش فوت شود، برای فرزندش حاضر است کلفتی کند. با چه زحمتی او را بزرگ می‌کند؛ برایش زن می‌گیرد؛ حتی به جایی می‌رسد که به خاطر بدگویی‌های همسر در مورد مادر، این فرزند، مادرش را به درخت می‌بندد و تازیانه می‌زند. کم‌کم او را در خانه راه نمی‌دهد. همین مادری که همه چیزش را در راه این فرزند عطا کرده است، به جایی می‌رسد که غذای مانده را جلوی او می‌ریزد. حتی اگر مثلاً گربه‌ای که در خانه‌ی او بوده و بچه‌ها با او بازی می‌کردند

مریض شود و بگویند که باید قلب انسان بخورد تا خوب شود والا می میرد، در این حالت هم زنش او را وسوسه می کند که قلب مادر پیرت را بیرون بیاور و به این گربه بده. موهای این مادر را می گیرد تا بالای کوه کشان کشان می برد. آنجا زنده زنده سینه ی مادر را می شکافد و قلب مادر را در می آورد که به گربه اش بدهد. در راه برگشت وقتی در حال دویدن است به زمین می خورد و این قلب به زمین می افتد. حتی در این حال هم باز از قلب مادر صدا می آید که آخ مادر جان! پایت چه شد؟!

خدای تبارک و تعالی هزار بار از مادر مهربان تر است. حالا شیطان یک گناهی را بزرگ جلوه می دهد. والا خدا خودش می داند که از این انسان گناه سر می زند. برای همین هم اسمش را گذاشته: غفّار؛ وهّاب.

اصلاً تو را خلق کردم که گناه کنی و من ببخشم. یعنی دوستت دارم. می دانم. من آن لحظه ای که گناه می کنی و سرت را پایین می اندازی آن صحنه را دوست دارم. امام صادق علیه السلام می فرمایند که شخص گناه می کند و با همین گناه به بهشت می رود. همه تعجب می کنند. حضرت می فرمایند ناخواسته بوده و همین که شرمنده است خدا او را می پذیرد. اگر این معرفت ها و این محبت بیاید، خدا گواه است که این ها ترمز انسان می شود. در مقابل چنین خدای مهربانی که انسان جسارت نمی کند! ما محبتش را هنوز درک نکرده ایم! ببین محبت

حسین علیہ السلام در دلت هست؟ رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم می گوید: خدا به من امر کرد کہ محبّ حسین علیہ السلام باش. حالا کہ خدا این محبّت را به ما دادہ است آیا نمی خواہد بہ ما آن نظر خاصہ را بکند؟! یقین بدانید می کند. عالی ترین عنایت و لطف پروردگار خود حسین علیہ السلام است. مگر کم محبّتی است؟ خود حسین علیہ السلام محبّت خداست کہ با ما حرف می زند! می گوید: بی انصاف دیگر چطور بہ تو محبّت کنم؟! بی انصاف! آخر چرا در محضر من گناہ می کنی؟! من خیلی دوستت دارم! وقتی گناہ می کنی برای من کہ اتفاقی نمی افتد! خودت در بعد معنوی عقب می مانی!

من ہمہ ی این ہا را بہ تو دادہ ام تا تو بالا بیایی! چون تو را دوست دارم! حسین علیہ السلام را بہ تو دادہ ام! علی علیہ السلام را بہ تو دادہ ام! زہرا علیہا السلام مادر حسین علیہ السلام را بہ تو دادہ ام! ...

از خودت پرس چقدر بہ امام حسین و امام زمان و بہ زہرایش علیہا السلام قرب پیدا کردی؟ چقدر شباہت داری؟ ای عشاق حسین! باور کنید ہر کدام از گناہان تیری است بہ سینہ ی اُبی عبد اللہ الحسین علیہ السلام! ای عشاق زہرا باور کنید پشت صحنہ این است کہ گناہ قوّتی می شود در بازوان قنفذ و بہ او کمک می کند!

«برکات عمومی حضرت اباعبدالله و زیارت ایشان»

❁ اشک برای سید الشهداء

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله فرمود اشک برای اباعبدالله الحسین علیه السلام فضیلتش از نماز شب بالاتر است. بعد فرمودند: چرا نباشد در حالی که انبیا فوج فوج پایین می آیند و محضر حضرت سیدالشهداء علیه السلام زانو می زنند و اشک می ریزند؛ آن قدر شیفته ی اباعبدالله الحسین هستند که نمی خواهند از آنجا تکان بخورند. می گویند: ملائکه می آیند با زور این ها را از محضر سیدالشهداء علیه السلام جدا می کنند.

❁ نجات دادن گنهگار به خاطریک کار خوب

علامه فشارکی رحمته الله در کتاب عنوان الکلام می فرماید: خانمی بود که خادم حسینه بود؛ اما مستجاب الدعوة بود. هرکسی هرمریضی و مشکلی داشت خدمت او می رفت و با دعا حاجتش را می گرفت. یکی از این خانم ها بسیار اصرار کرد تا سزاین مقام را از او بشنود. خانم خادمه جواب داد: چهارپنجم از این حسینه قبلاً خانه ی من بود. من در این چهار قسمت کارم عیاشی بود. زن ها و مردهای نابه کار را می آوردم و در این خانه پیوسته بساط زنا و شراب و رقص و آواز برپا بود. یک روز که من خواب مانده بودم، این عیاش ها آمدند در حالی

که هیچ چیز آماده نکرده بودم، خواستم چایی و بساط را آماده کنم آتش نداشتم. گفتم بروم از این حسینیه آتش بردارم. دیدم غذایشان را بار گذاشته اند و برای عزاداری رفته اند اما آتش خاموش شده. کمی به آتش فوت کردم تا دوباره روشن شد و از آن آتشی برای خود برداشتم. در همین حال ذره ای خاکستر در چشمم نشست و قطره ای اشک از چشمم جاری شد. به خانه برگشتم و باز عیاشی شروع شد.

همان شب در خواب دیدم که ملائکه ای عذاب آمده اند و تمامشان آتش است و من را به سمت جهنم می کشند. یک دفعه یک آقای نورانی که از کنارش رد می شدیم از ملائکه سؤال کرد این خانم چه کرده است؟ گفتند: یا ابا عبدالله! این در پرونده اش حتی یک عمل خوب هم ندارد و باید مستقیم به جهنم برود. حضرت فرمودند: دیروز صبح ایشان آمده و آتش هیأت من را روشن کرده است. من یک چیزی به ایشان بدهکارم. او را برگردانید. می گوید: وقتی از خواب بیدار شدم تمام بند و بساط را جمع کردم؛ و خانه را وقف حسینیه کردم و سی و چهار سال است که خادم اینجا هستم، اینکه می بینید دعاهایم مستجاب می شود به برکت همین است.

❁ بکوشید تا محروم نمانید

خیلی از زن ها می آمدند از حضرت زهرا علیها السلام احکام شرعی و سؤالاتی می کردند، یک خانمی مدام پشت در خودش را نشان می داد و داخل نمی آمد. حضرت فرمود چرا نمی آیی؟ گفت:

برکات عمومی حضرت اباعبدالله و زیارت ایشان ((۲۱))

آن قدر آمدم و سؤال کردم که دیگر خجالت می کشم. فرمود: خجالت چرا؟ عرض کرد: من می ترسم شما اذیت و خسته شوید. زهرا علیها السلام فرمود: اگر به شما بگویم «روی پشت بام گونی گونی طلا هست، برو هر چقدر توانستی بیاور» آیا خسته می شوی؟ گفت: نه! فرمود: هر وقت که شما می آیید و از من سؤال می پرسید و من جواب شما را می دهم، انگار می روم و یک کیسه ی طلا پایین می آورم.

حالا شما از لحظه ای که زائر محسوب شدید تا وقتی برگردید، در تمام راه همین گونی های طلا هست که باید سعی کنیم از این ها غفلت نکنیم. اگر ذکر بلدی بگو! اگر قرآن بلدی بخوان! اگر کمک بلدی بکن!

آثار دنیوی زیارت

امام صادق علیه السلام فرمود: ... و هر کس آن حضرت را زیارت کند، خداوند پس از قضای حوائجش، برای اوست و آنچه از امور دنیوی او را ناراحت و محزون نموده، کفایت می‌کند، و همانا زیارت او روزی را بر بنده جلب کرده، و آنچه انفاق کرده برای او جای‌گزین نموده، و گناه پنجاه سال او را می‌آمرزد، و زائربه خانه‌اش برمی‌گردد در حالی که هیچ گناه و خطایی برای او نیست، و از کتابش محو شده است. اگر در سفرش بمیرد، ملایکه نازل شده، او را غسل می‌دهند و درهای بهشت برای او باز می‌شود (ویا: دری به سوی بهشت برای او گشوده می‌گردد) و روحش وارد آنجا می‌شود، تا زمانی که برانگیخته و محشور شود؛ و اگر سالم برگردد، دری که روزی‌اش از آن فرو می‌آمده، گشوده می‌شود، و هر درهمی (که خرج نموده)، ده هزار درهم محسوب شده، و برای او ذخیره می‌گردد، و هنگامی که محشور شود، به او گفته می‌شود: برای تو، در برابر هر درهم، ده هزار درهم می‌باشد، و خداوند به تو نظر نمود و آن را نزد خود برای تو ذخیره کرد.

بیان: آنچه لازم است در این حدیث به آن توجه شود، جمله‌ی خداوند پس از قضای حوائجش، برای اوست، است که دو احتمال در معنای آن می‌باشد:

۱. معنای ظاهری آن که برآورده شدن حوائج زائربه دست

با کفایت الهی و بدون تأخیر است.

۲. اشاره به فواید معنوی زیارت است که مراد، قرب و شهود حق سبحانه، پس از برآورده شدن دیگر نیازهایش می باشد. شاهد بر معنای دوم، جمله بعدی این حدیث است که می فرماید: آنچه از امور دنیوی او را ناراحت و محزون نموده، کفایت می کند،

امام صادق علیه السلام فرمود: کمترین چیزی که برای زائر امام حسین علیه السلام خواهد بود، آن است که خداوند خود او و خانواده اش را تا وقتی که به نزد آن ها بازگردد، حفظ می نماید و هنگامی که روز قیامت فرا می رسد، خداوند نگه دار او خواهد بود.

بیان: بعید نیست مراد از «حفظ» در جمله ی اوّل، نگه داری زائر و اهلش از تمام خطرهای سماوی، ارضی، شیطانی، نفسانی و بیماری ها و ... و خلاصه اموری باشد که مسافر نسبت به خود و اهل و مال و اولاد و ... خود نگران آن ها است. و شاید مراد از جمله ی دوم حفاظت از مشکلات قیامت باشد که همه ی اهل ایمان از آن نگرانند. لذا نمی فرماید: «خداوند امر می نماید که او را حفظ کنند و یا آتش او را نسوزاند، و یا مشکلات قیامت به او اثر نکند»، بلکه می فرماید: «خداوند، خود حافظ و نگهدار اوست»؛ این تعبیر، خود عنایتی معنوی به زائر است.

امام صادق علیه السلام فرمود: روزهای زائران امام حسین علیه السلام (که در زیارت بوده اند) از عمرشان محسوب نشده، و از

اجل های آن ها شمرده نمی شود.

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر مردم می دانستند که فضیلت زیارت مزار امام حسین علیه السلام چه اندازه است، از شوق می مردند و جانشان از حسرت بر آن، قطعه قطعه می شد. هرکس از روی شوق به مزار او بیاید، خداوند برای او هزار حج قبول شده و هزار عمره ی پسندیده و اجر هزار شهید از شهیدان بدر و پاداش هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه ی قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که تنها به خاطر رضای خدا آزاد شده باشد را می نویسد و در طول يك سال، از هراقتی که آسان ترین آن ها شیطان است، محفوظ می ماند، و ملك بزرگواری برای او گمارده می شود تا او را از جلو و عقب و راست و چپ و بالای سر و زیر پا حفظ نماید. و اگر در آن سال بمیرد، ملایکه ی رحمت در غسل و کفن کردن و استغفار بر او حاضر می شوند و او را تا قبرش همراه با طلب مغفرت برای او بدرقه می نمایند، و تا افق دیدش، قبرش گشوده می شود، و خداوند او را از فشار قبر و از ترس منکرو نکیر در امان قرار می دهد و برای او دری، به بهشت گشوده می شود...

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس امام حسین علیه السلام را برای خشنودی خدا زیارت کند، خداوند او را مانند مولودی که تازه از مادرش تولّد شده، از گناهان خارج می گرداند، و ملایکه در مسیرش او را بدرقه نموده و بال هایشان را بر سر او می گشایند تا به خانه اش بازگردد، و نیز برای او از پروردگارش

طلب آمرزش می‌کنند، و از نواحی آشکار آسمان (ویا بالا‌های آن) رحمت او را فرا می‌گیرد، و ملایکه او را ندا می‌دهند: پاك شدی، و پاك است آن‌کس که زیارتش نمودی و خانواده‌اش محفوظ می‌ماند.

بیان: این‌ها فوایدی است که در دنیا به زائر داده می‌شود، و روشن است این فواید، از آن کسانی است که زیارت برای خشنودی خدا و از روی شوق و بامعرفت به حق امام را دارا باشند. اما آنان که این‌گونه نباشند، نمی‌توان گفت: از آن فواید محرومند؛ بلکه باید گفت: هرکس به اندازه‌ی معرفت و ایمانش، از زیارت آن حضرت بهره‌مند می‌شود. جمله‌ی: «از نواحی آشکار آسمان (ویا بالا‌های آن) رحمت او را فرا می‌گیرد» شامل رحمت‌های ظاهری و معنوی می‌شود، به گونه‌ای که زائر را احاطه می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: همانا در کنار شما مزاری است که هیچ شخص غمگین ناراحتی نزد آن نمی‌آید، مگر اینکه خداوند ناراحتی او را برطرف می‌کند و حاجتش را برآورده می‌نماید و نزد مزار امام حسین علیه‌السلام از هنگام شهادتش، چهار هزار ملك ژولیده‌مو و غبارآلود تا روز قیامت، برای او گریه می‌کنند، و هرکس او را زیارت کند، او را تا جایگاهش بدرقه می‌نمایند و هرکس مریض شود او را عیادت می‌کنند و هرکس بمیرد، جنازه‌اش را تشییع می‌نمایند.

آثار اخروی زیارت

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس با پای پیاده نزد او بیاید، خداوند برای هر قدم، حسنه‌ای برای او می‌نویسد و گناهی از او پاک می‌کند، و درجه‌ای برای او بالا می‌برد، و هنگامی که نزد او آمد، خداوند دو فرشته را برای او می‌گمارد تا هرچه سخن خیر از دهانش بیرون آید بنویسند و هر سخن ناپسند از دهانش بیرون آید و امور ناپسند دیگر را ننویسند...

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود: هرکس امام حسین علیه السلام را پس از وفاتش زیارت کند، خداوند برای او یک حج از حج‌های مرا می‌نویسد. عایشه عرض کرد: ای رسول خدا، یک حج از حج‌های شما؟! فرمود: آری، بلکه دو حج از حج‌های من. عرض کرد: دو حج از حج‌های شما؟! فرمود: بله و چهار حج. (امام صادق علیه السلام) فرمود: همچنان عایشه تعداد حج‌ها را می‌افزود و پیامبر نیز آن را زیاد و مضاعف می‌کرد تا به نود حج و عمره از حج‌ها و عمره‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید. بیان: احتمال دارد اگر آن حضرت در همان آغاز، جواب آخر را می‌فرمود، آن عظمت را که به این ترتیب برای زیارت سید الشهدا علیه السلام در ذهن عایشه و دیگر شنوندگان آینده ترسیم نمود، بیان نمی‌شد.

گمان می‌شود چون عایشه سکوت کرد، حضرت

برکات عمومی حضرت اباعبدالله و زیارت ایشان ((۲۷))

رسول ﷺ چیزی نفرمود، وگرنه اگر عایشه دوباره هم تعجب می کرد، حضرت بیش از نود حج و عمره می فرمود. چرا چنین نباشد که حسین علیهما السلام تا انقراض عالم، کعبه و حج و عمره و احکام کتاب و سنت رسول الله ﷺ را حفظ و بیمه نمود.

و گویا حضرت با نظر دوراندیش خود، آثار قیام سیدالشهدا علیهما السلام را در طول زمان، سال به سال می نگریست و آن گونه اضافه می فرمود، والله اعلم.

امام صادق علیهما السلام به نقل از پدر بزرگوارش فرمود: هر کس پشت او (مزار حضرتش) نماز واجب (یا یک نماز) بخواند و نیتش خشنودی خداوند باشد، خدا را روز قیامت ملاقات می کند، در حالی که برای او نوری است که، می پوشاند برای او هر چیزی را که می بیند، و خداوند زائران او را بزرگ می شمارد و نمی گذارد که آتش به ایشان برسد، و همانا زائر حضرت، در مکانی پایین تر از حوض نگه داشته نمی شود (و یا: فراموش نمی شود) و امیرمؤمنان علیهما السلام بر حوض ایستاده، با او مصافحه نموده و او را از آن آب سیراب می کند، و هیچ کس پیش از او نزد حوض وارد نمی شود، تا اینکه سیراب گردد، سپس وارد منزل خویش در بهشت می شود، در حالی که با او ملکی از جانب امیرمؤمنان است که به صراط امر می کند که برای او خوار شود، و به آتش دستور می دهد که از گرمایش به او نرساند، تا اینکه از آن (صراط) بگذرد، در حالی که فرستاده ی امیرمؤمنان همراه اوست.

بیان: چند جمله، بیشتر باید مورد توجه و دقت قرار گیرد: يك نماز واجب با خلوص نیت در کنار مزار سیدالشهدا علیه السلام، آثار ذیل حدیث را به دنبال دارد.

درباره‌ی نور مذکور در روایت ممکن است مراد، همان نور ولایت مطلق الهی باشد که زائر در قیامت، خود و هر چیزی را محیط به آن می‌بیند: «برای او نوری است که، می‌پوشاند برای او هر چیزی را که می‌بیند.» و زائر به واسطه‌ی زیارت سیدالشهدا علیه السلام و خلوص در خواندن نماز واجب، می‌تواند به جایی برسد که حق سبحانه را با خود و محیط به خود و اشیا ببیند، و در نتیجه، خود و همه‌ی اشیا را غرق در نور حق مشاهده نماید؛ زیرا همان‌گونه که حق سبحانه با اوست، با همه‌ی اشیا نیز هست و از هیچ موجودی جدا نیست؛ چنان‌که خود در کتاب مقدّسش می‌فرماید:

﴿إِلَّا أَنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ﴾؛ آگاه باش که مسلماً او به هر چیزی احاطه دارد.

نیز سیدالشهدا علیه السلام در دعای عرفه فرمود: «وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ»؛ و تو کسی هستی که خودت را در هر چیزی به من شناساندی، و من تو را آشکار و ظاهر در هر چیزی دیدم، و تو برای هر چیزی آشکاری.

نیز در دعای کمیل می‌خوانیم: «وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ»؛ (و مسألت می‌کنم از تو...) به فروغ رویت که همه چیز را روشن کرده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَتَى

برکات عمومی حضرت اباعبدالله و زیارت ایشان ((۲۹))

قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَدْ وَصَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَوَصَلْنَا،
وَ حُرِّمَتْ غَيْبَتُهُ، وَ حُرِّمَ لَحْمُهُ عَلَى النَّارِ...؛ هر کس به
مزار ابا عبدالله علیه السلام بیاید، به تحقیق با رسول خدا ﷺ و
ما رابطه برقرار نموده، و غیبت او حرام، و گوشت وی بر
آتش حرام است

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که پیاده به مزار
امام حسین علیه السلام بیاید، خداوند در برابر هر قدم، هزار
حسنه برای او نوشته و هزار گناه از او محو می کند، و
مرتبه‌ی او را هزار درجه بالا می برد.

از حضرت روایت شده که فرمود: هر کس دوست دارد
در روز قیامت بر سر سفره‌هایی از نور بنشیند، پس باید از
زائران حسین بن علی علیه السلام باشد.

بیان: ممکن است منظور از «سفره‌هایی از نور»،
غذاهای بهشتی باشد که در تمام جهات، از لطافت و
لذت برخوردار است. نیز ممکن است مراد، طعام‌های
معنوی و روحانی و مشاهده‌ها و تجلیات حق باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بخواهد در جوار
پیامبر خدا و علی و فاطمه علیهما السلام باشد، نباید زیارت
حسین بن علی علیه السلام را ترک کند.

امام صادق علیه السلام و [یا] امام باقر علیه السلام فرمود:
امام حسین علیه السلام صاحب کربلا است؛ هر کس با شوق
به او، و محبت رسول خدا و فاطمه و امیرمؤمنان علیهما السلام نزد
او بیاید، خداوند او را بر سفره‌های بهشتی می نشاند، که با

آنان غذا می خورد، و در آن هنگام مردم، در حال حساب پس دادن هستند.

بیان: شاید مراد این باشد که زائران سید الشهدا علیه السلام همانند مخلصین، بی حساب وارد بهشت خواهند شد. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز قیامت می شود، منادی ندا می دهد: زائران حسین بن علی کجایند؟ به آنها گفته می شود: اینان، محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین هستند، به ایشان ملحق شوید و در رتبه ی آنان، با ایشان هستید، به پرچم رسول خدا ملحق شوید؛ آن گاه آنها به سوی پرچم رسول خدا می آیند و در سایه ی آن قرار می گیرند، در حالی که پرچم در دست علی علیه السلام است، تا اینکه همه وارد بهشت می شوند، زائران در جلو و راست و چپ و پشت پرچم قرار می گیرند.

امام باقر علیه السلام فرمود: هرکس از روی شوق به سوی مزار آن حضرت بیاید، خداوند برای او هزار حج قبول شده، و هزار عمره ی پسندیده، و اجر هزار شهید از شهدای بدر، و پاداش هزار روزه دار، و ثواب هزار صدقه ی قبول شده، و هزار بنده ای که به خاطر رضای خدا آزاد شده را می نویسد ... و قبر او به مقدار افق دیدش وسیع می گردد، و خداوند او را از فشار قبر و از ترس منکر و نکیر ایمن می گرداند، و دری برای او به بهشت باز می شود، و نامه ی عملش به دست راستش داده می شود، و روز قیامت نوری به او عطا می شود که بین مغرب و مشرق را نورانی می کند و ندا داده می شود:

برکات عمومی حضرت اباعبدالله و زیارت ایشان ((۳۱))

این از زائران حسین است که با اشتیاق به سوی او آمده،
هیچ کس در روز قیامت باقی نمی ماند، مگر این که آرزو
می کند ای کاش زائر حسین علیه السلام می بود!

« سالکان و زیارت اباعبدالله »

خودسازی، شرط بهره‌مندی‌های خاص

❁ بخشش گناهان با توجّه به مقام ظاهری امام

ریختن گناه، با توجّه به مقام ظاهری امام انجام می‌گیرد، مطمئن باشید هیچ گناهی نمانده است. اگر عمر کسی در مسیر زیارت به پایان برسد، مطمئن باشد که بهشتی است؛ البته به غیر از آن‌هایی که حقّ الناس دارند؛ زیرا خداوند عزّ وجلّ در حدیث قدسی فرموده است: به عزّت و جلالم قسم که از حقّ الناس نمی‌گذرم.

❁ مجاهده شرط رسیدن به مقام فوق‌عرشی امام

مرحوم علامه‌ی طباطبائی در رساله‌ی الولاية می‌فرماید از هر عمل بد یا حتی مکروه ما موجودات ظلمانی تولید می‌شوند و همچنین از اعمال خوب ما موجودات نورانی به وجود می‌آیند. اگرچه گناهان با توبه بخشیده می‌شوند، اما آثار وضعی آن که همان موجودات ظلمانی است، باقی می‌ماند و مانع رسیدن

به کمال می‌شود. مرحوم استاد ما رحمته الله در کتاب فروغ شهادت می‌فرماید: اگر می‌خواهید به رزق خاص و مغفرت خاص برسید و اثرات وضعی از بین بروند، باید مجاهده داشته باشید که این، راه را برای مقامات باز می‌کند؛ بنابراین اگر مقام فوق‌عرشی و کمالات بالاتر را بخواهیم باید استقامت، ثبات قدم و اخلاص را از ائمه علیهم‌السلام درخواست کنیم.

❁ موجوداتِ ظلمانی

ماجرایی درباره‌ی موجودات نورانی و ظلمانی برایتان بگویم: سید جمال الدین گلپایگانی - که از اولیای الهی و قبرشان بعد از قبر آیت‌الله سید علی قاضی رحمته الله است - به امر استادش، شب‌های جمعه به قبرستان می‌رفت که چند اتفاق برایش می‌افتد. ایشان می‌گفت: این آقای که اینجا قبرکن است، می‌گفت: سی سال است که اینجا هستم. خیلی اتفاقات در قبرستان دیدم. یک دفعه نشسته بودم، کسی را دفن کردند و رفتند. از آنجا بو و عطر خاص و خوشی به مشامم خورد که مست و حیران شدم! این بو، بوی دنیایی نبود. دیدم کسی در قالب انسان آمد و رفت در داخل آن قبر و این عطر از او می‌آمد. طولی نکشید که بوی تعفن و بدی تمام قبرستان را گرفت که انسان از آن سرگیجه می‌گرفت! دیدم موجودی که شکل انواع حیوان را دارد و کثیف است، او هم داخل آن قبر شد. طولی نکشید که آن موجود نورانی که در این قبر رفته بود، خون‌آلود و بالباس‌های پاره شده پا به فرار گذاشت. موجوداتِ ظلمانی آن فرد، به موجودات نورانی اش غلبه کرده بودند و او وحشت زده

فرار می کرد. از همین روست که حضرت علی علیه السلام هم فرموده است: همین قدر که لذت گناه را به نفست دادی، لذت عبادت را بده تا اثر آن را از بین ببرد.

❁ اگر در دنیا کور بمانی، در آخرت هم کور خواهی بود

اگر کسی در این دنیا توانست به مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام نائل شود، در آن دنیا هم نائل خواهد شد؛ والا قرآن کریم می فرماید: ﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾^۱. اگر مثل خیلی از مردم بگوییم که حالا امام حسین علیه السلام به دادمان می رسند. بله می رسد، ولی در همین قالب برزخی؛ اما این کجا و حقیقت امام حسین علیه السلام که همه ی جلوه هاست کجا؟! وقتی جلوه و جمال حضرت سیدالشهدا را ببینی، از همه ی نعمت های بهشت سیراب هستی! هر لذتی که در عالم حس می شود در نگاه به جلوه ی حضرت اباعبدالله علیه السلام است. آن آقا می گفت چه اشکالی دارد که کسی هم آن جلوه را داشته باشد، هم نعمت های بهشتی را؟ پاسخ این است که دست خودش نیست! نمی تواند از آن جلوه دست بکشد! بعضی بزرگان می فرمودند یک نگاه سید الشهدا علیه السلام هزاران بهشت خلق می کند.

❁ جهنم محرومیت از حسین علیه السلام

جهنم را تنها به آتش تفسیر نکنید. دید عرفا با مفسرین دیگر فرق دارد؛ «جهنمی» یعنی کسی که از عنایات عالم آخرت

و ملکوت و زیبایی هایی که در این دنیا دارد محروم است. یک زمانی چشم باز می کنیم و می بینیم نعمت های عظمایی که خدا به ما داده است بدون استفاده ماند و عمر تمام شد. آن همه خیری که در عالم آخرت هست، اگر کسی به آن نرسید جهنمش می شود. شما الآن به احکام ظاهری عمل کردید و اسقاط تکلیف نمودید، گناه هایی هم که کرده اید خدا با توبه بخشیده است و آنجا به جهنم نمی رویم؛ اما آیا اگر انسان از وجه الحسین علیه السلام محروم بشود، جهنمش نیست؟! من یک عمر «حسین حسین» بگویم ولی به حسین آن دنیا نرسم؟! بروم به قول آن آقایان یک سبزی و یک میوه ای بخورم که چه شود؟! من عمری «یا زهرا» بگویم و از انوار خاص آن حضرت محروم شوم؟! چه جهنمی بالاتر از این محرومیت؟! همین الآن هم برای اهلش جهنم است!

❁ همه چیز در راستای مجاهده با نفس

کسی که مجاهد است و می خواهد به عالی ترین کمال انسانی برسد، تا وقتی این وصل انجام نگرفته و به این کمال نهایی نرسیده، آرام و قرار نخواهد گرفت و همواره سعی او این است که در تلاش و مجاهده باشد. اگر می بینید که در بعضی از ما حالت مجاهده و تلاش نیست، معنی اش این است که ما هنوز راه نیفتاده ایم و در مسیر معنوی قرار نگرفته ایم؛ ولی کسانی که آرام و قرار ندارند و همیشه در حال مجاهده، خودسازی و تهذیب نفس هستند، این ها همان کمال خواهان

هستند؛ بقیه ادای کمال خواهی را درمی آورند.

آقا سید علی قاضی رحمته الله می فرماید: اصلاً ما تنها برای خودسازی و تهذیب نفس آمده ایم. وقتی سخن از تهذیب به میان می آید، برخی فکر می کنند تهذیب نفس، امری است که باید در انزوا و جدای از وظایف اصلی زندگی انجام شود. بروند در گوشه ای و خودسازی کنند و مثلاً به خودشان برسند. نه، چنین نیست؛ بلکه تمامی اموراتی که وظیفه ی اصلی یک انسان است، باید در راستای تهذیب نفس قرار بگیرد.

آثار معنوی زیارت

در روایات زیادی از معصومان علیهم السلام آمده است که: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»؛ هر کس امام حسین علیه السلام را با شناخت حق او زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

بیان: جمله‌ی «عَارِفًا بِحَقِّهِ» در ذیل احادیث «غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»، به خوبی شرط شمول مغفرت الهی زائر حسین علیه السلام را معلوم می نماید. اما این که «مغفرت ماتقدم و ماتأخر» چیست؟ می توان گفت: مغفرت گناهان گذشته، برداشته شدن آثار آن هاست، و اما مغفرت گناهان پس از زیارت، شاید همان مغفرت هایی باشد که خداوند در آیاتی چند از قرآن شریف ذکر می فرماید: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ»؛ مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده (چون باغی است که) در آن نهلهایی است از آبی که (رنگ و بو و طعمش) برنگشته؛ و جوی هایی از شیری که مزه اش دگرگون نشود؛ و رودهایی از باده ای که برای نوشندگان لذتی است؛ و جویبارهایی از انگبین ناب؛ و در آنجا از هرگونه میوه برای آنان (فراهم) است و (از همه بالاتر) آمرزش

و مغفرت پروردگار آن هاست.

این مغفرت ها که به نصّ آیات گذشته، در بهشت نصیب بندگان می شود، مغفرت از گناه نیست؛ زیرا گناهکار را در بهشت جایی نیست تا مغفرت، شامل حال او گردد. بنابراین، باید مغفرت در این آیات شریفه معنای دیگری داشته باشد. ممکن است بگوییم: مراد همان برداشته شدن حجاب های میان بنده و خداوند است که در این عالم و عالم آخرت، مانع از مشاهده ی جمال و کمال حق سبحانه بوده و نمی گذاشته او سبحانه را به کمالات بینند.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس آن حضرت را به قصد خشنودی خداوند زیارت کند، خداوند او را مانند نوزادی که از مادرش متولد شده، از گناهانش بیرون می آورد ... و رحمت، از اطراف و نواحی (و یا بالا های) آسمان، او را فرا می گیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «يُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ وَ أَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ. وَإِنْ كَانَ شَقِيًّا، كُتِبَ سَعِيدًا، وَلَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ برای زائر او هزار حج، و هزار عمره ی پسندیده نوشته می شود. و اگر شقی باشد، از سعادت مندان نوشته می شود و پیوسته در رحمت خداوند عَزَّوَجَلَّ، غوطه ور خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: برای کسی که نزد او، یعنی نزد مزار امام حسین علیه السلام کشته شود، اولین قطره ای که از

خونش می‌ریزد، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و ملایکه، طینت او را که از آن خلق شده غسل می‌دهند، تا هم چون انبیای مُخلَص، پاک و خالص گردد و آلودگی‌های اهل کفر و فساد که با طینت او مخلوط شده بود، از بین برود، و قلب او غسل داده می‌شود و منشرح و باز می‌گردد، و از ایمان پر می‌شود، آن گاه او خداوند را ملاقات می‌کند، در حالی که از تمام چیزهایی که با بدن‌ها و قلب‌ها آمیخته بود، پاک شده است.

در روایاتی آمده است که: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ، كَتَبَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَى عِلِّيْنِ»؛ هر کس به مزار امام حسین علیه السلام بیاید، با شناخت حقش، خداوند نام او را در اعلیٰ علیین می‌نویسد. در بعضی روایات دیگر آمده است: «كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عِلِّيْنِ»؛ خداوند نام او را در علیین می‌نویسد.

بیان: بعید نیست منظور این باشد که کمالات آن‌ها را در این عالم به ایشان خواهند داد، و به شهود آنچه ابرار در این عالم از مقامات معنوی شاهد شده‌اند، نایل خواهند شد و در آخرت نیز به آثارش خواهند رسید.

روایات، درباره‌ی آثار معنوی زیارت سیدالشهدا علیه السلام بسیار است که به همین مقدار اکتفا می‌شود. برای روشن شدن دلالت آن‌ها به اختصار می‌توان گفت: چه عنایت معنوی بالاتر از آنکه بنده، حق سبحانه را با موجودات مشاهده کند و حضرت حق با مظاهر - که عرش

پروردگارند- برای او تجلی نماید، و به فوز زیارت رب و غشیان و خوض در رحمت رحیمیّه‌ی پروردگار نایل آید، و هنگام فوت نیز مشاهده نماید که حق سبحانه، او را قبض روح می نماید و ... حال، اگر این مشاهده و زیارت و ... در مظهر تامّ، و از مجلای تمام تجلی پروردگار (یعنی سیدالشّهاداء علیه السلام) برای بنده رُخ دهد، عنایتی است فوق عنایات!

در يك كلام، می توان گفت: همه‌ی روایات این فصل جز بیان عنایات معنوی حضرت حقّ به زائران سیدالشّهاداء علیه السلام که در این عالم به آن ها نایل آمده و در نتیجه در آخرت نیز از نتایج آن بهره مندند، چیز دیگری نمی تواند باشد، والله اعلم.^۱

امام خمینی رحمته الله: انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. کربلا و نام مبارک سیدالشّهاداء علیه السلام را زنده نگه دارید که با زنده نگه داشتن او اسلام زنده نگه داشته می شود. مسأله‌ی کربلا که خودش در رأس مسایل سیاسی است باید زنده بماند! ملت بزرگ ما باید خاطره‌ی عاشورا را با موازین اسلامی هر چه شکوهمندتر حفظ کنند! این محرم را حفظ کنید! ما هر چه داریم از این محرم است. محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

۱. آیت الله علی سعادت پرور رحمته الله، فروغ شهادت: ۳۶۵

رسیدن به آثار معنوی زیارت

❁ مناجات خدا با زائر سید الشهداء علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ، مَغْفِرَةٌ ذُنُوبِهِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يُقَدِّسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ، فَإِذَا أَتَاهُ، نَاجَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ: عَبْدِي! سَلْنِي أَعْطِكَ؛ أَدْعُنِي أُجِبْكَ؛ أَطْلُبْ مِنِّي أَعْطِكَ؛ سَلْنِي حَاجَةً أَقْضِيهَا لَكَ...»؛ همانا فردی که به سوی قبر حسین علیه السلام می رود، اجرش در ازای اولین قدمی که پس از جدایی از خانواده اش برمی دارد، آمرزش گناهانش می باشد. پس از آن، با هر قدمی که برمی دارد، پیوسته تقدیس می شود، تا به نزد قبر آن حضرت برسد. پس وقتی به قبر حضرت رسید، خداوند متعال با او نجوا می کند و می گوید: بنده ی من! از من بخواه تا عطا نمایم؛ دعا کن تا اجابت کنم؛ طلب نما تا عنایت نمایم، حاجت خود را بخواه تا برای تو برآورده کنم ...

از این حدیث چنین برمی آید که زائر سید الشهداء علیه السلام، در اولین قدم از گناهان پاک می شود، و در قدم های بعدی، پاکیزگی دیگری به دست می آورد: «ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يُقَدِّسُ» گویا این طهارت و تقدیس، همان برداشته شدن حجاب های میان او و پروردگار باشد، که در آخر می فرماید: «فَإِذَا أَتَاهُ، نَاجَاهُ اللَّهُ تَعَالَى...»

اولاً حضرت می فرماید: «ناجاهُ اللهُ»؛ یعنی منزلت زائر به قدری است که خداوند با زائر مناجات می کند؛ نه اینکه زائر با پروردگار مناجات کند.

ثانیاً می فرماید: «فَإِذَا أَتَاهُ، نَاجَاهُ اللهُ» که معلوم می شود، این مناجات، از طریق مظهراتم الهی یعنی سیدالشهدا (ع) است؛ زیرا همان گونه که خداوند با همه ی مظاهر است، با حسین (ع) هم - که مظهراتم الهی است - می باشد.

در روایات دیگری وارد شده کسی که به زیارت سیدالشهدا (ع) می رود «كَانَ مِنْ مُحَدِّثِي اللَّهِ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ از کسانی خواهد بود که بالای عرش الهی با خدا سخن می گویند؛ یا «كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ مانند کسی است که خداوند را بالای عرشش زیارت نموده است. امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَتَجَلَّى لِرُؤَاةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) قَبْلَ أَهْلِ عَرَافَاتٍ وَ...»؛ خداوند برای زائران قبر امام حسین (ع) پیش از اهل عرفات تجلی می نماید.

مرحوم استاد ما حضرت آیت الله سعادت پرور (ع) که نایب برحق علامه طباطبایی (ع) در سیر و سلوک هستند، در کتاب فروغ شهادت می فرمایند:

«چنان که بارها گفته شد، کسی که با آیات، احادیث و دعاها ی توحیدی آشنا باشد، به خوبی می داند که حق سبحانه، تنها «در کنار و جدای» از موجودات، و یا در یکی از مراتب فوق عالم طبیعت، حتی عالم مجردات - که

نامش عرش می باشد- نیست؛ بلکه با همه ی عوالم مجرّد و مادّی، و این عالم و عالم های قبل و بعد از این عالم بوده، و محیط به همه ی اشیا و خلاصه با هر چیزی است که بتوان نام مخلوق به آن گذاشت.

بنابراین عرش الهی را جز مظاهر حقّ سبحانه نمی توان دانست که نور او، به ایشان احاطه دارد. آیات شریفه بسیاری نیز بر این امر دلالت می کند و این که امام علیه السلام در روایت کافی عرش را به علم و قدرت حقّ معنی می نماید، گویا به اعتبار این است که مظاهر پیاده شده ی علم و قدرت حقّ اند. حال، اگر امام علی علیه السلام در پاسخ شخصی که می پرسد: آیا پروردگارت را دیده ای؟ بفرماید: «أَفَأَعْبُدُ مَا لَا أَرَى؟» (آیا چیزی را که ندیده ام، پرستم؟) آن گاه در توضیح آن بفرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ؛ وَلَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» (چشم ها با دیدن آشکار او را درک نمی کنند؛ بلکه دل ها با حقیقت ایمان او را می بینند)، به تحقیق نباید این رؤیت -که رؤیت پروردگار با دیده ی دل است- «در کنار» از مظاهر و موجودات باشد؛ بلکه مراد، دیده شدن حقّ سبحانه از راه خود (که آن را «معرفت نفس» می نامند) و یا از طریق مظاهر است.

با توجّه به این توضیح مختصر، احادیث «كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ» و یا «فَوْقَ عَرْشِهِ» تا حدودی واضح می شود. (دَقّت شود).^۱

۱. آیت الله علی سعادت پرور رحمته الله، فروغ شهادت: ۳۵۸.

پس کسی که به زیارت آن حضرت نائل می شود خداوند با امام حسین علیه السلام برای او تجلّی می کند و با او مناجات می کند؛ یعنی ما انتظار نداشته باشیم که وقتی آنجا می رسیم صداهایی بین آسمان و زمین به گوشمان برسد. چه کسی بالاتر از حضرت سیدالشهدا علیه السلام که مظهر کامل عرش الهی است تا خدا با او با ما حرف بزند؟!

❁ حالات گوناگون سالکین در زیارت اباعبدالله علیه السلام

آن هایی که با نفس خود مجاهده کرده اند و با آمادگی به زیارت امام حسین علیه السلام می آیند، که البتّه این مراتب گوناگونی دارند و به تبع آن، حالات گوناگونی برای آن ها پیش می آید، می بینند امام حسین علیه السلام به استقبالشان آمده است.

در رساله ی لُبّ اللُّبّاب علامه طباطبایی رحمته الله نقل می کند که در زمان رضاشاه یک جوان مهندس توده ای، صبح ها کار می کرد و شب ها با خارجی ها به شراب و قمار و ... مشغول بود. این جوان درست است که از خانواده ی توده ای بوده، ولی بچّه شیعه است.

این جوان می گوید یک روز رفتم بالای پشت بام و به خدا گفتم من را از این معصیت ها و کثافات نجات بده! ببینید! یک تقاضای کوچک کرده بود. یک بار، امّا صادقانه آمد و جواب گرفت. فردای آن روز خدا یک نفر را برای دستگیری او فرستاد که دستش را بگیرد و او را تطهیر کند. علامه رحمته الله می فرماید: یکی از دوستان نقل کرد که با ماشین در حال حرکت به سمت عتبات بودیم، این جوان

گه گاهی گریه های بلندی داشت. وقتی نزدیک مرزهای عراق رسیدیم، من خوابم برده بود که با صدای گریه ی بلند جوان از خواب بیدار شدم و پرسیدم دیگر چه شده است؟ گفت: مگر نمی بینید! حضرت اباعبدالله علیه السلام به استقبال آمده و به ما خیرمقدم می گوید! حال آیا می شود که شما آهنگ سفر به طرف آقا کنید و آقا بی اعتنا باشد؟! برخی می گویند ما در این سفر غیر از حسین علیه السلام کسی ندیدیم.

سید مهدی بحر العلوم رحمته الله یا مقدس اردبیلی رحمته الله، به امر امام زمان علیه السلام با آن حضرت به زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می رفت، می گوید راهمان از جایی افتاد که ابتدا قبر جوْن (غلام سیاه امام حسین علیه السلام) در مسیر بود. به ایشان که رسیدیم دیدم آقا امام زمان علیه السلام این طور سلام می دهد: «السلام علیک یا اباعبدالله! بأبی أنت و أمی!» من به دلم گذشت که این غلام آقا است. می گوید همین که از دلم گذشت آقا به من فرمودند: همه ی این ها اباعبدالله علیه السلام هستند.

یعنی همه ی آن ها جلوه ی او شدند؛ در حسین علیه السلام فانی شدند؛ شدند حسین علیه السلام. اگر انسان یک مقدار به فرامین سید الشهدا علیه السلام استقامت بورزد به حقیقت او وارد خواهد شد که همان مقام نورانیت و ولایت کلیه ی الهی است. امام حسین علیه السلام و همه ی اهل بیت علیهم السلام برای همین آمده اند که ما را ببرند به آن جایی که هستند. آیه ی شریفه

می فرماید ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾^۱. امام صادق (ع) می فرماید وجه الهی ماییم. اگر کسی با نفسش مجاهده کرد به وجه الله که مصداق اتم آن وجه الحسین (ع) است خواهد رسید.

بزرگ ترین هدف سید الشهداء (ع) همان بود که در زیارت عاشورا به تعلیم ائمه ی هدی (ع) درخواست می کنیم: «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»؛ و از او (خداوند) درخواست می کنم که مرا به همان جایگاه ستایش شده ای که «شما» نزد او دارید برساند. تا دیروز فکر می کردیم مقام محمود مخصوص رسول گرامی اسلام (ص) است.^۲ اما امروز اقرار می کنیم: یا اباعبدالله! شما دارای این مقام هستی و بعد درخواست می کنیم که ما را هم به این مقام و جایگاه بلند برسانید. یعنی امام از طریق زیارت عاشورا می خواهد بفرماید اگر از من حسین کمتر از مقام محمود درخواست کنید باخته اید.

لذا بعضی از خواص زوّار، حضرت را می بینند و با او به همه ی زوّار تجلّی می کنند.

۱. سوره ی قصص: ۸۸

۲. ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً﴾؛ «پاسی از شب را به تهجد بگذران! این يك وظیفه ی اضافی برای توست. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.» (إسراء/۷۹) این آیه ی شریفه نشان می دهد که مقام محمود، منزلت رسول الله است.

✽ باور کنید تا ببینید

می پرسند چگونه نورانیت را مشاهده کنیم؟ اگر سه فصل آثار دنیوی، اخروی و معنوی زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام از کتاب فروغ شہادت را بخوانید و آن روایات را باور کنید، به شہود ہمہی آن ہا خواهید رسید. اگر فرمایش امام معصوم علیہ السلام است چرا حرف او را باور نمی کنیم؟!

وظیفہی ما باور بہ قرآن و احادیث است. یقین کن همان طور کہ در روایات آمدہ ملائکہ بال خود را زیر پای زوآر انداختہ اند! نمی خواہد تو ببینی! فرمایش امام علیہ السلام را قبول کن!

پرسش گز: مگر شما نمی فرمایید ما باید این ہا را شہود کنیم؟

پاسخ: من راہ ورود بہ آن شہود را عرض می کنم. بلہ! صاحب فروغ شہادت می فرماید: بدون شہود ملکوت، انسان کور مانده است. مأموریتِ انبیا و اولیا ہم ہمین است کہ بہ این مرحلہ برسید. اما قدم اوّل برای شہود، باور قلبی است. این باید بیاید! یعنی شما باید واقعاً باور کنید کہ ملائکہ فوج فوج می آیند و برای شما استغفار می کنند و می روند. بال ہایشان را انداختہ اند روی زمین و شما از روی این ہا راہ می روید.

باور کنید کہ در همان قدم اوّل گناہ ہا برداشتہ شدہ، پس دیگر بہ آن توجّہ نکنید و از این بہ بعد برای برداشتہ شدن حجاب ہا توجّہ کنید. روایت می فرماید ہمہی انبیا و

اولیا و صلحا و شهدا برای استقبال از زوّار امام حسین علیه السلام می آیند. هیچ فرقی هم بین زوّار نمی گذارند. درست مثل عزاداری هایی که می روید. وقتی هیئت داردم در می ایستد به همه یکسان احترام می کند و پذیرایی هم برای همه یکسان است. فقط همین را می بینند که به عشق حسین علیه السلام قدم برداشته ایم. شما بدانید که حتی ارواح انبیا به اشک های ما غبطه می خورند!

در روایت دیگری آمده اولین کسی که به استقبال زوار می آید خود خداست و امر می کند که این زائر همین طور توسط ملائکه دست به دست می شود.

❁ زیارت سید الشهداء علیه السلام سرمایه ی ماندگار

آن هایی که قبلاً با مجاهده آمادگی کسب کرده اند مواهبی که به زائران سید الشهداء علیه السلام می دهند را حس می کنند؛ ولی آن هایی که در این سفر ندیدند، این ها برایشان پس انداز می شود و از بین نمی رود و زمانی که با مجاهده قابلیت استفاده پیدا کردند، خودش را نشان می دهد؛ مثل وسیله ی نقلیه ای که پدری برای فرزندش می خرد و به او می گوید وقتی گواهینامه گرفتی، می توانی از آن استفاده کنی یا مانند کسی که به زندان افتاده اما همه ی سرمایه اش محفوظ است و از آن کم نخواهد شد. به محض اینکه از زندان آزاد شود از همه ی آن ها استفاده خواهد کرد. مواهب و هدایای سید الشهداء علیه السلام برای زوّار خود، غیر از اعمال ماست. این ها عطای اهل بیت علیهم السلام است. اعمال ما ممکن است کم شود، حبط شود

و از بین برود؛ اما عطایای اهل بیت علیهم السلام هرگز کم شدنی و از بین رفتنی نیست، زیرا آن‌ها خودشان حی و زنده‌اند و هدیه‌ی آن‌ها نیز حی است و هیچ از آن کم نمی‌شود.

❁ توبه‌ی صادقانه

گاه‌گاهی استثنائاتی اتفاق می‌افتد. یک دفعه می‌بینید با اینکه زمینه‌ای نیست اتفاقاتی می‌افتد و اهل بیت علیهم السلام انسان را مورد عنایت قرار می‌دهند و این آن زمانی است که انسان واقعاً توبه‌ی صادقانه می‌کند و می‌داند که دیگر صداقت ویژه در او ایجاد شده است. دیگر اگر صد امتحان هم بدهد همیشه موفق خواهد شد و نمره‌ی بیست را خواهد گرفت.

بله! **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** تعالی از آن‌ها بعید نیست که یک نگاهی به ما هم بیندازند؛ که اگر این‌طور باشد نمره‌ی بیست را می‌گیریم. به فرمایش آقا شیخ محمد بهاری رحمته الله یک توبه‌ی صادقانه داشته باشیم و امام معصوم را شاهد بگیریم که از سفر که **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** برگشتیم تمام رفتارمان، کردارمان و گفتارمان واقعاً بوی اهل بیت علیهم السلام را بدهد.

« در مسیر زیارت حضرت اباعبدالله الحسین »

توصیه‌هایی برای بهره‌مندی بیشتر از زیارت اربعین

✿ باور کنید که در ظرف عنایات خاصه هستید

از همان ساعتی که قدم برداشتید امام صادق علیه السلام می‌فرماید: تمام گناهانتان ریخته شده. مگر می‌شود فرمایش معصوم را که خدا عنایت کرده به سخره بگیریم؟! باور نکنیم؟! بیچاره آن‌کسی که فرمایش امام معصوم را قبول نکند. فرمود در قدم اول به عشق حسین علیه السلام خدا تمام گناهانتان را می‌بخشد. قدم‌های بعدی ثروت‌هایی است که اندوخته می‌شود. اگر لیاقت داشتیم و در این دنیا مجاهده‌ی نفس کردیم در همین دنیا مشاهده خواهیم کرد که خدا چه چیزهایی به ما داده است. اگر نشد بعد از مردن می‌بینیم که چه چیزهایی به ما داده‌اند. چون در روایت است آن چیزی که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و در مخیله‌ی کسی نرفته پاداش می‌دهند. می‌دانید یعنی چه؟ دید انسان در این دنیا هزاران ویلا می‌بیند، هزاران مقامات دنیوی می‌بیند. می‌فرماید

ما فوق دیده‌هاست. خیلی چیزها و لذت‌ها را می‌شنود. می‌فرماید ما فوق این‌هاست. از همه بالاترین است که آنچه به مخیله‌ات نمی‌آید عطا می‌شود. شما در مخیله‌ات تصور کن که دنیا برای توست، همه‌ی انسان‌ها نوکرتو هستند. آیا می‌توانید تصور کنید؟ می‌گویند ما فوق تصور توست. من نمی‌توانم چیزی بگویم. فقط برای شما حدیث می‌خوانم. اگر این باور بیاید خیلی کاسه‌تان پر می‌شود.

❁ زیارت امام حسین علیه السلام یا زیارت خدا؟

الآن که می‌خواهیم پیاده‌روی اربعین را شروع کنیم باید توجه داشته باشیم که به زیارت خدا می‌رویم یا امام حسین علیه السلام؟ ما زائر الله هستیم. اما در جلوه‌ی امام حسین علیه السلام، حسین علیه السلام از معشوقش گفته است، از خودش که حرفی نزده! خودش را فدا کرده تا ما را متوجه او کند. اما خدا می‌خواهد با حسینش جلوه کند. لذا در روایت دارد زیارت امام حسین علیه السلام عین زیارت الله است. بالاتر از این چیست؟ بالاترش آن است که انسان آن قدر در حضرت فانی و حلّ شده که می‌بیند با امام حسین علیه السلام به تمام زوآر تجلّی می‌کند!

❁ رضایت از پیشامدها و نگاه زینبی داشتن

کسی که اهل عشق و محبت است دیگر رنج و ناگواری برای او وجود ندارد. همه چیز برای او شیرین است. حتی در عشق‌های مجازی و دنیوی، انسان برای محبوب از مال و آبرویش می‌گذرد تا رضایت او را به دست بیاورد.

ناراحت نشوید و گله نکنید! عصبانی نشو که یکی پا روی پایت گذاشت! اینکه حالا کسی جای تو خوابید، بگوئی بلند شو جای من است! خوابیده که خوابیده! تو نوکری اش را بکن! اگر به ما سکه بدهند آیا خسته می شویم که برداریم؟ نه خوابمان می برد و نه گرسنه مان می شود. مدام می خواهیم جمعش کنیم. والله مافوق این است! لذا هرچه می توانیم باید به زوار حسین (علیه السلام) احترام و ادب کنیم. حتی اگر دشمنت هم آمده برو خاک پایش را ببوس! در شهرتان دشمنت است؛ ولی اینجا زائر امام حسین (علیه السلام) است. دشمن تو است، دشمن حسین (علیه السلام) که نیست! این کینه های بیخود و این بد نگاه کردن ها را دور بریزید! باید خودمان را برای اهل بیت عصمت و طهارت و امام حسین (علیه السلام) وقف کنیم! مواظب باشیم در سفر چیزی نگوییم. اگر ماشین هم به شما زد، هیچ نگوئید، بگوئید ناخواسته بوده است. باید تمرین کنیم که لا اقل یک دهم، یک صدم، یک هزارم زینب (علیها السلام) بتوانیم بگوئیم: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»؛ همه ی چیزهایی که اتفاق می افتد زیبا است.

توصیه‌های ویژه برای روز پایانی مسیر پیاده‌روی

❁ خلوت با خدا و اهل بیت علیهم‌السلام

خواهش می‌کنم دیگر از این ساعت که حرکت می‌کنید با هیچ کس حرف ننزید، جز با خدا و ائمه علیهم‌السلام در دلتان. اگر مثل بعضی‌ها لیاقت داشته باشیم این‌ها را هم مشاهده خواهیم کرد. اگر سعی کنیم خواهیم دید.

❁ کاسه‌ی گدایی

بر اساس روایات اولین پاداش زائر حضرت را خدا می‌دهد. همین‌طور که گرسنه و تشنه‌اید و دیگر توجهی به خوردنی‌ها ندارید در دلتان فقط یک کاسه‌ی گدایی داشته باشید و آن را محضر خدا ببرید! بگویید من هرچه هستم زوار حسینم. بگویید من هیچ چیز ندارم؛ نه آبرو دارم؛ نه حیثیت دارم؛ نه نماز قبول است! من تا به حال عمل درست و حسابی نداشته‌ام؛ اما فقط محبت حسین علیه‌السلام را دارم که الآن عملاً دارم می‌آیم. این را ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام می‌بینند. لذا کاسه‌ی گدایی را بعد از خدا در دلتان محضر رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ببرید! بگو آقا هیچ ندارم؛ اما محبت حسین علیه‌السلام را آورده‌ام. یا رسول الله! آیا عنایت نمی‌کنی؟ خدا گواه است عطا می‌کنند! همین‌طور از تک‌تک اهل بیت علیهم‌السلام تقاضا کنید!

آیا دیده‌اید بعضی از بچه‌ها به دروغ خودشان را به گریه می‌زنند؟ بالآخره دل این پدر و مادر را به دست می‌آورند. اهل بیت علیهم‌السلام همین‌طور هستند. دنبال بهانه هستند. بگو غلط کردم آقا! همین بس است. کاسه‌ات را پر می‌کنند.

❁ توسل به علی علیه‌السلام با توجّه به سخاوت حضرت

کاسه‌ی گدایی را در خانه‌ی علی علیه‌السلام ببر! قربان آقا بروم! می‌دانید علی علیه‌السلام از همه سخی‌تر بود. در آن ۲۵ سال این همه آبادی‌ها درست کرد؛ چاه‌ها کند. هیچ کدامش را خودش برنداشت. همه را انفاق و احسان کرد. آقا می‌خواسته بگوید که سخی است. نه! این چه سخاوتی است؟ این را که اهل دنیا هم دارند. سخاوت علی علیه‌السلام این است که اوّل زهرایش علیه‌السلام را برای خدا فدا کرد. سخاوت را او دارد، من و شما چه می‌فهمیم سخاوت چیست؟ بعد از آن جان مطهر خودش را در راه خدا داد. بعد امام حسن علیه‌السلام را داد. بعد حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام را داد. ابوالفضل العباس علیه‌السلام را داد. اسم ابوالفضل العباس علیه‌السلام که می‌آید این عرب‌ها چه شیعه و چه سنی، احترام خاصی می‌گذارند، چون فرزند علی علیه‌السلام است، جلوه‌ی علی علیه‌السلام است. سخاوت را ببین! - علی اکبر که نوّه‌اش است را داد. علی اصغرش را داد. قاسم بن حسنش را داد. نه! دخترش حضرت زینب در راه خدا به اسارت رفت...

❁ توسل و توجّه به زهرا علیها‌السلام

بعد از علی علیه‌السلام برو در خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام. می‌دانید

که آن لحظه‌ای که اسما خبر شهادت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را به حسنین داد، امام حسن علیه السلام خودش را روی سینه‌ی مادر انداخت، امام حسین علیه السلام صورتش را کف پای مادر گذاشت. هی می‌گوید: یا اُمّاه! منم حسین، مادر جان! منم حسین جوابم را بده! حسن علیه السلام خودش را انداخته می‌گوید مادر! منم حسن. چنین زهرایی مگر من و شما را دست خالی برمی‌گرداند؟ شما که آن قدر محبّش هستید که وجداناً، بالاغیرتاً یک روسیاهی مثل من یا یک نیازمندی بیاید، سه بار شما را به حضرت زهرا علیها السلام قسم بدهد می‌خواهید جانتان را بدهید. مگر اینطور نیست؟! بیایید زهرا علیها السلام را به امام حسین علیه السلام قسم بدهید و بگویید زهرا جان! حسینت را آوردم.

البته اینجا بی‌ادبانه است؛ اما وقتی که فرمایشات اهل بیت علیهم السلام را باور نکنیم بیچاره می‌شویم. برای اینکه باورتان بشود چاره‌ای ندارم قضیه‌ی حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا را بگویم.

افرادی می‌آمدند و به دروغ به زلیخا می‌گفتند یوسفت می‌خواهد از فلان جا عبور کند. او هم به آن‌ها جام طلا می‌داد. این ندیمه‌هایش می‌گفتند: این‌ها دروغ می‌گویند. می‌گفت: همین که اسم یوسفم را می‌آورند... آیا متوجه مطلب شدید؟ یعنی معاذالله معاذالله آیا حضرت زهرا علیها السلام اگر اسم حسینش بیاید بلد نیست جام‌های طلا به شما بدهد.

نمی‌دانم چرا حضرت استاد این قدر سفارش می‌فرمودند

که شب‌های قدر، توجّه‌تان به حضرت زهرا و امام‌زمان (ع) بیشتر باشد؟! اسراری در توجّه به این دو بزرگوار نهفته است. شاید حضرت زهرا (ع) با مخفی کردن قبر مطهرشان یکی از هدایت‌های اصلی را مخفی فرمودند. اینکه آقا امام‌زمان (ع) در غیبت کبری به سر می‌برند، این هم باز یک توجّه ویژه پروردگار متعال است که این محبّت الهی توسط آن حضرت اجرا می‌شود. گرچه یک مقدار برای محبّین سخت است! ولی این‌ها همه بهانه است که ما به آن درجات عالی انسانی و تکامل معنوی برسیم.

بعضی از بزرگان فرموده‌اند اگر می‌خواهید به عتبات توفیق پیدا کنید، از طرف حضرت زهرا (ع) به آقا امام‌زمان (ع) و از طرف آقا به مادرش صلوات هدیه کنید تا این زیارت نصیبتان شود؛ بسیار هم خوب جواب می‌دهد. اهل دلی می‌گفت با این وضع گناه‌ها و غفلت‌هایی که داریم شاید امام‌زمان (ع) به انسان نگاه و توجّه نکند؛ هرچه بگوییم یا صاحب الزمان! یا امام‌زمان! شاید جوابی نیاید! اما می‌گویند همین که حضرت را با نام مادرش صدا بزنید امکان ندارد حضرت جواب ندهد.

همان چیزی که حضرت زینب (ع) به من و شما یاد می‌دهد. حضرت می‌توانست همان اوّل لباس کهنه را بیاورد؛ اما عمداً به تأخیر می‌اندازد تا یک بار دیگر حسینش را ببیند. حسین (ع) که جدا می‌شود، دل زینب (ع) هم

کنده می شود و با او می رود. چند قدمی که رفت دید زینب علیها السلام دیگر طاقت ندارد. بعضی ها می گویند دست ولایی را بعد از اینکه برگشت روی سینه ی زینب علیها السلام گذاشت؛ و الاً واقعاً طاقت آوردن مشکل است؛ چون پیش چشمش حسینش می رود به قتل گاه. می رود که ذبیح الله شود. لذا صدا زد مهلاً مهلاً، یابن الزهراء! تا اسم مادرش را آورد، آقا برگشت. چون خیلی از بچه ها می گفتند: بابا نرو! یا ابا عبد الله نرو! اما تا اسم مادرش زهرا ی اطهر علیها السلام آمد حسین علیه السلام برگشت. حالا عزیزان من! اگر بخواهید امام زمان علیه السلام به ما توجه کند، صدا بزنید یابن الزهراء!

❁ همت عالی

همتتان بالا باشد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به صحابه اش فرمود یک چیزی از من بخواهید! آن ها یک چیز ناچیز خواستند. آن حضرت ناراحت شد و فرمود چرا همتتان این قدر پایین است؟! من، رسول الله هستم که می گویم از من چیزی بخواهید! حضرت برای اصحابشان قضیه ی آن پیرزن بنی اسرائیل را ذکر فرمودند و آن این که حضرت موسی علیه السلام مأمور شد بدن مطهر حضرت یوسف علیه السلام را از مصر به بیت الله ببرد. از هر کسی پرسید جواب نمی دانست. البته او پیغمبر خدا بود اما مأموریتش این چنین بود. پیرزنی را دید که هم کور است و هم شل. فقط زبانش کار می کرد. گفت شاید او بلد باشد. وقتی از پیرزن جای قبر را پرسید گفت جایش را می گویم به شرطی که دعا کنی این کوری و شلی من خوب شود.

گفت باشد. گفت: نه! درخواست دیگری هم دارم. گفت: درخواست دیگری چیست؟ گفت: دعا کنی یک دختر جوان بشوم. گفت: درخواست دیگری چیست؟ گفت: دعا کنی که من باتوی حضرت موسی در بهشت هم مقام بشوم. گفت: به قول خودمان حالا نمی‌خواهی بگویی نگو دیگر!

این داستان را رسول الله ﷺ می‌فرماید که همت ما بالا باشد. حضرت موسی علیهما السلام هنوز چند قدمی دور نشده بود که جبرئیل علیهما السلام فی الفور نازل شد. عرض کرد خدای تبارک و تعالی تمام شرط‌های این خانم را قبول کرد و فرمود: از همت این بنده‌ام خوشم آمد! رسول اکرم ﷺ می‌فرماید همتان بالا باشد. آن هم در محضر حضرت سیدالشهدا علیهما السلام. نباید به چیز کمتر قانع بشویم.

یک آقای هست در ایلام که کارگرو بی‌سواد است. ایشان لطف کرده بود و به دیدن ما آمده بود. من از او نپرسیدم چطور شد به این کرامات رسیده‌ای که مردم می‌آیند خدمت شما؟ اما خودش تعریف می‌کرد: من زائر عتبات بودم، وقتی که به نزدیکی امام علی علیهما السلام رسیدم، دیدم خیلی آشغال ریخته شده! من دلم طاقت نیاورد. از صبح شروع کردم فقط این آشغال‌ها را از دورش جمع می‌کردم. حتی ناهار را نخورده بودم و خسته هم بودم. گفتم: علی جان! خسته شدم و الا تا ساعت‌ها کار می‌کردم. همین‌طور با حال خسته افتادم دم در. با این روحیه‌ی ساده‌ی کارگری‌اش. می‌گوید: یک وقت دیدم

جمال مبارک علی علیہ السلام من را بیدار کرد. به من بوسه زد. و بعد چیزهایی تعریف می کرد. خیلی عجیب است! فرمود: چه حاجتی داری؟ این هم با همان سادگی اش گفت: آقا! من دو تا پسر دارم خیلی دوست داشتم هر کدام یک خانه داشته باشند و خانم هم یک خانه داشته باشد. دو تا حسینیہ هم داشته باشم یکی برای خانم ها و یکی برای آقایان. این روزی من است، قربانش بروم. نتوانسته بود از علی علیہ السلام چیزهای بزرگ بخواهد. این قدر همّتان پایین نباشد!

می گوید هنوز من به ایلام نرسیده بودم تلفن زدند و گفتند آقا شماره بده که پول بریزیم ساختمانتان را درست کنید. گفتم شما که هستید؟ گفت: چه کار دارید که من چه کسی هستم؟ گفتم: من را مسخره کردی! قطع کردم. باورم نمی شد؛ آقا بعد از اینکه سه بار تماس گرفت شماره ی حساب را دادم و او در هر مرحله از ساخت پول را واریز می کرد. اصلاً نفهمیدم این آقا چه کسی بود؟! خب حالا این آقا چه کار کرده بود؟ تنها یک مقدار از آن آشغال هایی که جلو ضریح حرم مطهر علی علیہ السلام بود را جمع کرده بود. این فقط پاداش دنیوی اش است! حالا پاداش اخروی اش چه باشد نمی دانم.

❁ ادب حضرت عباس علیہ السلام را بخواهید

شما زوّار حسین علیہ السلام هستید. چیزی بخواهید که در شأن آقایمان باشد. بگویید ادب ابوالفضل العباس علیہ السلام را

می خواهیم. یک اهل دلی، در عالم مکاشفه محضر حضرت ابوالفضل العباس (ع) رسیده بود. پرسید: آقا! چطور شد به این مقامات رسیدید که انبیا به شما غبطه می خورند؟ فرمود: به دو چیز؛ ادب و وفا. شما هم ادب و وفا بخواهید. چیز کم نخواهید. چون همه چیز به شما می دهند. ادب و وفا نسبت به امام زمانمان. کسی که مؤدب شد دیگر در خلوت و جلوت، در معامله و دنیا و خواهش های نفسانی، ادبش را در محضر امام زمانش نگه می دارد. به هیچ چیز نمی فروشد.

❁ سنخیت ظاهری مقدمه‌ی سنخیت واقعی

اگر می خواهیم سنخیت پیدا کنیم و به آن مسأله‌ی حقیقی راه یابیم؛ اگر می خواهیم حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را به یک معنا، قدری بالاتر درک کنیم، با رعایت بعضی نکات سنخیتی در عالم تشریع در ما ایجاد می شود تا این شاء الله آن سنخیت واقعی و توحیدی هم نصیب حال ما بشود.

❁ ۱. گرسنگی

خواهش می کنم در نیم روز پایانی که تا کربلا راه مانده چیزی نخورید! در این چند ساعت یک شباهت ظاهری به سید الشهدا (ع) پیدا کنیم. نگران خوردن و خوابیدن نباشیم. این همه عنایات که فرموده اند برای من و شماست. اینجا باید همت بالا باشد. چون مقامی که به ما دادند (یعنی مقام زائر امام حسین (ع)) مقامی است که هرکسی لیاقت آن را ندارد.

❁ ۲. خاک‌ها را پاک نکنید

هر کجا خاک خوردید پاک نکنید. چون فرمودند با همان حالت حزن و اندوه و خاک آلودگی به حضرت وارد شوید. حزن هم همان حزنی باشد که حضرت سیدالشهداء علیه السلام یک وقت نگاه کرد، دید تمام اصحاب شهید شدند، ابوالفضل العباس علیه السلام، علی اکبر علیه السلام، علی اصغر علیه السلام، قاسم بن حسن علیه السلام، تمام این اصحاب که بهترین یاران بودند و حتی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین اصحابی نداشت، همه را دید که تکه تکه شدند و افتادند و آقا تنها مانده است. غم در دلش است. اما ای کاش فقط همین‌ها بود! یک وقت نگاه کرد به خیمه‌ها ...! این‌ها را تصور کنید تا حزن حقیقی در دلتان بیاید!

❁ مستقیم به سمت ضریح سید الشهداء علیه السلام

با این غصه و با همان حالت تشنگی و گرسنگی و خاک آلودگی مستقیماً به سمت ضریح اباعبدالله الحسین علیه السلام بروید. بعضی‌ها می‌گویند که باب امام حسین، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. بله؛ این درست است؛ اما به این معنا نیست که اول به زیارت ایشان برویم. در روایت فرموده تمام توجه‌تان به زیارت اباعبدالله علیه السلام باشد. اگر ابوالفضل هم هست در وجه الحسین هست. چون تمام خوبی‌ها آنجاست.

اهل دلی می‌گفت به زیارت ابوالفضل العباس علیه السلام که

رفتم، احساس کردم که بدن مطهر آقا در این قبر مبارک نیست، خیلی تعجب کردم! با خود گفتم آیا آقا آنجا هست یا نیست؟ با خودم گفتم حتماً آقا مأموریتی چیزی پیدا کرده است. می‌گوید بالأخره رفتم طرف حضرت سیدالشهدا (ع) دیدم که ابوالفضل العباس (ع) دربان آقا است. بله، من باب الحسین هستم؛ یعنی نوکر حسین (ع) و دم درش هستم. من اول شما را بغل می‌کنم تا لایق جانان باشید.

❁ توسل به حضرت ابوالفضل العباس (ع)

در پیشاپیش ورود ما به کربلا، باب الحوائج، حضرت ابوالفضل العباس (ع) است. هر خواسته‌ای داشته باشید آقا ردّ نمی‌کند. آقا دلش نازک است. آقا خیلی قوی و بزرگوار است، ولی دلش مثل گنجشک نازک است. طاقت نیاورد. گفت: نمی‌توانم حسین جان! اجازه بده بروم برای این‌ها آب بیاورم! این بچه‌ها از تشنگی له‌له می‌زنند! مخصوصاً آن ساعتی که پیراهن‌هایشان را بالا زده و شکم‌هایشان را به زمین چسبانده‌اند. آمد عرض کرد: یا اباعبدالله اجازه بده! آقا فرمود: دل من هم تنگ شده ابوالفضل جان! در بعضی از مقاتل هست فرمود: بیا با هم برویم! من هم طاقت ندارم! هردو با هم آمدند. هنوز یک مقدار بیشتر نرفته بودند. امام حسین (ع) یک وقت نگاهش به حرم اهل بیت (ع) افتاد. گفت: ابوالفضل جان! تو برو! من باید مراقب خیمه‌ها باشم. رفت آقا. قربانش بروم! آن‌ها جرأت نمی‌کردند. دیده بودند پهلوان علی (ع)

است. کسی جرأت نکرد با آقا روبه رو شود. آقا به راحتی به آب رسید. مشک‌ها را پر کرد. با خود گفت حالا که تا اینجا آمدی، آبی بنوش! دست‌هایش را پر کرد به آب. الآن سه روز است که آقا آب نخورده است. تا خواست بخورد به خودش گفت تو جلوتر از حسین؟! قربان این ادبش بروم! این تذکری است به ما که باید مواظب قلب مطهر امام زمانمان باشیم! آب را ریخت. دیگر قضایایش را شنیده‌اید که چه اتفاقی افتاده است. فقط همین جا را عرض کنم. حضرت وقتی که از اسب زمین افتاد، نه تنها دو دست مبارکش قلم شده بود؛ بلکه تیر سه شعبه به چشم مبارکش خورده بود. دست نداشت که آن را در بیاورد. خواست تا با زانوانش تیر را در بیاورد، عمود آهنین به سر مبارکش زدند. وقتی که زمین خورد تنها اینجا بود که صدا زد یا آخا! درک آخاک! آقا آمدند. گفت: یا ابا عبد الله من را به خیمه‌ها نبر! چرا ابوالفضل! آخر من شرمندۀ بی‌چۀ‌های توام! گفتند آب بیاور ولی نتوانستم!

در مشاهد مشرفه و بازگشت از زیارت

❁ درد دل با اهل بیت علیهم السلام در خلوت

به هر مشهدی که رسیدید بگویید آقا خیلی حرف‌ها دارم؛ خیلی دردها دارم. با آقا این‌طور باشید! بنشین با او بگو! از این طریق، هم می‌توانید ارتباط برقرار کنید و هم دلتان می‌شکند. خیلی زیباست! اصلاً امکان ندارد...؛ واقعاً هم خیلی حرف داریم؛ مگر کم حرف داریم؟! اینجا انسان کم می‌آید. هی بنشینید در دلتان حرف بزنید! اگر فقط هم اجازه بدهند و پخش شوند و تنها بشوند حال خوبی پیدا می‌کنند. باور کنید در تنهایی انسان بیشتر بهره می‌برد! بعد درد دل کنید! حرف‌هایتان را بزنید؛ از نفس بگویید؛ بگویید من را مدام اذیت می‌کند. از بی معرفتی مان، از همه چیز بگویید: زندگیمان چگونه شده است؟ شیطان این‌گونه من را اذیت می‌کند، نفس این‌طور بیچاره‌ام کرده. اعمال و عبادتم این است؛ گناه‌ام این است؛ آبرویم این است؛ بی آبرویم این است. همه‌اش را عرضه بدارید! و انسان این‌طور واقعاً دلش می‌شکند. جواب هم می‌گیرد. همان‌جا انسان احساس می‌کند که جوابش انگار داده می‌شود و سبک می‌شود.

❁ مراقبہ بعد از اربعین

اگر انسان بخواهد به مقام توجّہ و مقام معنوی امام و مقام نورانی امامت و ولایت کلّیہ ی الہی ایشان برسد لازمہ اش این است کہ بعد از برگشتن تمرین کند، اعضا و جوارح و حتّی جوانح کہ قلب و روحش است متوجّہ حضرت شود؛ یعنی بوی حضرت سید الشّہداء علیہ السلام را بدهد. وقتی برگشتیم اگر همان آش و همان کاسہ ی قبل باشد و همان کارہایی کہ قبلاً می کردیم را ادامہ دہیم، بہتر است انسان همین جا در زیارت بمیرد تا حدّ اقل بہ بہشت برود. چون اگر برگشتیم و خرابکاری کردیم، دوبارہ از اوّل شروع می شود و بیچارہ می شویم. انسان این ہمہ زحمت و این ہمہ مشقّت را تحمّل کند و بخشودہ شود، بعد کہ برگشت، چشمانش همان چشمان قبلی باشد، ہرجا را کہ خواست نگاہ کند، گوشش همان گوش قبلی باشد! این یعنی معاذ اللہ ہم خودش را مسخرہ کردہ و ہم زیارت کردن را.

ما باید از خود حضرات بخواہیم کمک مان کنند تا وقتی برگشتیم در تمامی فعل و انفعالات بوی اہل بیت علیہم السلام را بدهیم، والاّ مثل این است کہ ہیچ زیارتی نیامدہ ایم. البتّہ ثواب زیارت را دارد؛ همان طور کہ در واجبات، اسقاط تکلیف هست؛ نماز خواندہ و روزہ گرفتہ امّا فقط تکلیفش را ادا کردہ؛ امّا آیا این روزہ و نماز او را بہ مرحلہ ای از مراحل معنوی وارد کردہ؟! بہ ملکوت افعال عبادی و اذکار وارد کردہ؟! یقیناً نکردہ است!

❁ استمرار در خودسازی در ملازمت با اولیای الهی

در یک شب نیمه‌ی شعبان کسی از اهالی شهرستان خمین را در مشهد مقدس ملاقات کردم. مراحل از تهذیب نفس را طی کرده بود و ایشان را در بحث‌های آیت الله بهجت (رحمته الله) هم دیده بودم. اظهار گلایه می‌کرد از اینکه چرا مردم در این شب عزیز، خیلی زود محضر مبارک امام رضا (ع) را رها کرده و به دیدن این آقا و آن آقا و اولیا می‌روند؟! گفتم این حرف شما درست نیست. شما قریب سی یا چهل سال است که مشغول تهذیب نفسید و چشم و گوش باطنی‌تان باز شده. حقایق امشب و امام رضا (ع) را می‌بینید و لذت می‌برید. اما امثال بنده حاکمان این است که بیش از یک ساعت زیارت و یک اشکی و دو رکعت نماز، حالی نداریم تا بنشینیم به در و دیوار نگاه کنیم! گفتم بگذارید مردم به محضر آن بزرگواران بروند و معرفت کسب کنند.

اگر شما به زیارت حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمته الله) بروید و در محضرشان و جلسه‌شان بنشینید، و بعد به زیارت حضرت امام رضا (ع) بروید، آن زیارت خیلی فرق دارد. اگر این استمرار داشته باشد دیگر انسان چشم و گوش واقعی‌اش باز می‌شود.

جهنم را تنها به آتش تفسیر نکنید. دید عرفا با مفسرین دیگر فرق دارد. «جهنمی» یعنی کسی که از عنایات عالم آخرت و ملکوت و زیبایی مایی که در این دنیا دارد محروم است.

... شما الآن به احکام ظاهری عمل کردید و اسقاط تکلیف نمودید، گناه مایی هم که کرده اید خدا با توبه بخشیده است و آنجا به جهنم نمی رویم؛ اما آیا اگر انسان از وجه الحسین (علیه السلام) محروم بشود جهنمش نیست؟! من یک عمر «حسین حسین» بگویم ولی به حسین آن دنیا نرسم؟! بروم به قول آن آقایان یک سبزی و یک میوه ای بخورم که چه شود؟! من عمری «یا زهرا» بگویم و از انوار خاص آن حضرت محروم شوم؟! چه جهنمی بالاتر از این محرومیت؟! همین الآن هم برای ابلش جهنم است!